



## وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم...

نامه سرگشاده ابوالفضل جوکار (مؤسس گاج)  
به دکتر مسعود پزشکیان



### به نام خداوند جان و خرد

با تقدیم درود و سلام و ادب و احترام به محضر مقام منبع ریاست جمهوری اسلامی ایران  
جناب دکتر مسعود پزشکیان (دام اجلاله)

به بهانه این ایام که در تقویم ما به نام کتاب و کتابخوانی ثبت شده است و بالتبع تصور می‌رود این دولت خصوصاً در یاری حامیان و مروجان کتابخوانی از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد، جهت استحضار و البته استظهار جناب عالی بنا دارم قصه پرغصه‌ای را از ایام ماضی نه چندان بعید، برای شما روایت کنم. باشد که آن هواخواه تخصص و هنر و علم و فن، و مدافع فضیلت وفاق و کار و تولید، با آگاهی از این رخداد، خود نسبت به موضوع، داوری کرده و حکم به انصاف و عدالت دهد.

باری، یک سال و اندی پیش بود که گاج، آزمونی را مطابق روال همیشگی برای دانش‌آموزان برگزار کرد که در قسمت ادبیات آن چند بیتی از فرخی یزدی (شاعر آزادی‌خواه و استبدادستیز عصر مشروطه) انتخاب شد و با قصد عیارسنجی درک و دانش مخاطب در خلال سؤالات قرار گرفت. جهت مزید اطلاع حضرت عالی باید بگویم در این آزمون چند هزار نفر شرکت کردند و قریب به هزار نفر به این پرسش‌ها پاسخ گفتند اما تنها نیمی از پاسخ‌ها مقرون به صحت بود. مع هذا چشم‌تان روز بد مبیناد؛ آن ابیات بر خاطر عده‌ای گران آمد و همراهی با اغتشاشات تلقی شد. فلذا فی الفور حکم به تعطیلی مرکز آزمون‌های گاج دادند. ابیاتی که بالاتر دید از منبعی ممنوعه و یا کتب ضالّه مضلّه انتخاب نشده بود بلکه از دیوان فرخی یزدی معروف است که مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دارد و در هر کوی و برزنی قابل دستیابی است.  
ابیاتی از این دست:

چون ببینی ظالم از ظالم حمایت می‌کند

آخر ای مظلوم از مظلوم چون خود یاد کن

چون فتد اینجا به آنجا هم سرایت می‌کند

آه مظلومان چو آتش در میان پنبه است

ثروت دنیا خلاق را کفایت می‌کند

بگذرند از کبریایی گر خداوندان آز



شرکت کنندگان با عنایت به این اشعار می‌بایست در خصوص تغییر مصوت‌ها، اختیار زبانی و یا حذف همزه و مسائلی از این دست اظهار رأی می‌کردند. جالب اینکه بعضی ابیات، اتفاقاً از کتاب‌های درسی انتخاب شده بود که آن هم مورد اعتراض دوستان واقع شد:

پافشاری پی حقّ خود اگر ملت داشت	مال او غارت یک دسته عیاش نبود
معنی دولت قانونی اگر این باشد	نامی از دولت و قانون به جهان کاش نبود
ما طرفداری خورشید حقیقت کردیم	آن زمانی که هما سخره خفاش نبود

البته به طور کامل پیداست که این اشعار جنبه تاریخی دارد و گاه در آن به نام و نشان شخص تصریح شده است:

بود اگر جامعه بیدار در این دار خراب	جای سردار سپه جز به سر دار نبود
-------------------------------------	---------------------------------

با این همه آقایان از فرصت استفاده کرده و به این بهانه حمله همه‌جانبه‌ای را به گاج آغاز کردند. از طرفی به جای محاکمه قضایی شخص خاطی (در صورت احراز خطا) با حکمی عجیب از سوی وزارت آموزش و پرورش چند هزار نفر را از کار بیکار و فی الواقع از زندگی ساقط کردند و از طرف دیگر علاوه بر هجمه علنی در رسانه ملی به کلیت مؤسسه و فعالیت‌هایش، آن ابیات را در تیراژی چند ده میلیونی در رسانه‌های عبری و عربی و غربی و نیز شبکه‌های فارسی‌زبان سراسر جهان به سمع و نظر مخاطبان رساندند که تا به اکنون ندانستم هدفشان چه بوده است.

گیرم که در مجموعه تحت مدیریت این جانب سهوی رخ داده باشد، آیا باید در تعمیم این خطا به هزاران مدیر و کارمند بیگناه، و گسترش مطلعان از چند صد نفر به بیست-سی میلیون نفر گشاده‌دستی کرد و چشم بر هر گونه مصلحت و درایت و معرفت بست؟ وانگهی به نظر می‌رسد بهتر است همه ما در متابعت از قول متین امام معصوم که فرمودند «إِتَّقُوا مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمِ» به گونه‌ای رفتار کنیم که مصداق ابیات و کلمات آنچنانی نباشیم. نه اینکه دهان هر کسی را به صرف سوءظن ببندیم که این شیوه نامرئیه بی شک خلاف توصیه «ظَنُّوا بِالْمُؤْمِنِينَ خَيْرًا» است. آری، چه خوش گفت مولوی:

### ظَنِّ نیکو بر برِ اِخْوَانِ صفا      گرچه آید ظاهر از ایشان جفا

علی ای حال بزرگواران بی آنکه به سرنوشت چند هزار کارمند این مؤسسه بیندیشند حکم به تعطیلی دو ساله مرکز آزمون‌های گاج دادند که تا به امروز بیش از سالی از آن طی شده است. گاج پذیرای هر گونه مجازات منصفانه و متناسب با جرم احتمالی است. اکنون نیز اصراری به شکستن این حکم عجیب ندارد. اگر آن را عادلانه و منصفانه می‌دانید باکی نیست؛

### وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم      که در طریقت ما کافری ست رنجیدن

اما اگر نارواست یک روز هم در تأیید آن با ارباب بی مروت دنیا شریک نباشید که دعای خیر چند هزار کارمند شریف و بی تقصیر بدرقه راهتان خواهد شد.

باقی بقایتان.

۲۶ آبان‌ماه ۱۴۰۳

ارادتمند شما؛ ابوالفضل جوکار

